

مسائل شرکت

«شرکت» آن است که دو یا چند نفر در مال مشخصی یا در دین یا منفعت خاصی و یا در حقی شریک باشند. شرکت گاهی به اختیار و با قرارداد ایجاد می‌شود و گاهی غیر اختیاری به وجود می‌آید، مانند شرکت دو یا چند نفر در ارثی که به آنان رسیده است.

(مسئله ۱) در شرکتی که با قرارداد ایجاد می‌شود لازم نیست صیغه خاصی خوانده شود، بلکه اگر هر یک از شرکا مقداری از مال خود را با مال دیگری به قصد شرکت مخلوط نماید به گونه‌ای که قابل تشخیص از یکدیگر نباشد، مثل اینکه گندمهای خود را با گندمهای او مخلوط نماید، و یا هر کدام مثلاً نصف مشاع سرمایه خود را به دیگران مصالحه نماید، شرکت بین آنان حاصل می‌شود و تصرف هر کدام در مال شرکت و یا تجارت با آن تابع قرارداد آنان می‌باشد.

شرایط شرکت قراردادی:

(مسئله ۲) در شرکتی که به وسیله قرارداد ایجاد می‌شود چند شرط معتبر است:

۱ و ۲ و ۳- هر یک از شرکا «بالغ»، «عاقل» و «دارای اختیار» باشند، پس شرکت کودک یا دیوانه بدون اجازه ولی خود و نیز شرکت شخصی که مجبور شده و از خود اختیار ندارد صحیح نیست.

۴ و ۵- هیچ یک از شرکا سفیه نباشد و نیز به وسیله حاکم شرع از تصرف در اموال خود منع نشده باشد، پس شرکت کسی که سفیه است و اموال خود را بیهوده مصرف می‌کند و شرکت ورشکسته‌ای که از تصرف در اموال خود منع شده بدون اجازه حاکم شرع صحیح نیست.

۶- مورد شرکت مال باشد، پس شرکت در کار به طوری که هر کدام جدا از دیگری کار کند و بعد در محصول کار و یا اجرت آن با دیگری شریک باشد صحیح نیست، بلکه هر یک از آنان مالک محصول یا اجرت کار خود می‌باشند. هر چند در صورتی که با رضایت یکدیگر در آخر کار محصول کار یا اجرت آن را تقسیم کنند مانعی ندارد.

۷- بنا بر احتیاط واجب سرمایه شرکت باید به صورت مشاع باشد؛ یعنی به طوری به هم آمیخته باشد که مال هر یک از شرکا از دیگری مشخص نباشد. پس اگر هر یک از شرکا پول یا ملک مشخصی را برای سرمایه شرکت بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید سهم مشاعی از آن را به شرکای دیگر در مقابل آنچه از آنان به او منتقل می‌شود مصالحه نماید تا شرکت حاصل شود.

(مسئله ۳) اگر دو نفر قرار بگذارند که هر کدام چیزی را جداگانه با پول خود

نسیه بخرند و قیمت آن را خودش بدهکار شود ولی در جنسی که هر کدام خریده‌اند و در استفاده آن با هم شریک باشند شرکت صحیح نیست، اما اگر هر کدام دیگری را وکیل کنند تا جنس یا قسمتی از آن را برای او نسیه بخرد بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش به طور مشاع بخرد که هر دو بدهکار شوند شرکت صحیح است، همچنین اگر جنس را برای خود بخرد و دیگری از او بخواهد که او را شریک کند و او هم قبول نماید و او را شریک نماید شرکت حاصل می‌شود و او نصف پول را بدهکار می‌شود.

(مسئله ۴) اگر در قرارداد شرکت شرط شود که همگی به طور مشترک یا مستقل کار کنند و یا یک نفر معین کار کند، باید طبق شرط عمل شود و اگر کیفیت عمل تعیین نشود باید طبق آنچه متعارف است عمل نمایند و چنانچه یکی از شرکا خلاف شرط یا خلاف متعارف معامله‌ای انجام دهد معامله فضولی^۱ است و در صورتی که دیگران آن را اجازه دهند صحیح خواهد بود.

(مسئله ۵) در مال مشترک همه شرکا طبعاً در سود و زیان سرمایه به نسبت سهام خود شریک می‌باشند، ولی اگر در قرارداد شرکت شرط کنند کسی که کار بیشتری می‌کند و یا کارش تخصصی است سود بیشتری ببرد، باید به شرط خود عمل نمایند. و اگر شرط کنند کسی که کار نمی‌کند یا کمتر کار می‌کند منفعت بیشتری ببرد، صحت شرکت محل اشکال است.

(مسئله ۶) اگر شرط کنند که همه استفاده را یک نفر ببرد یا تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد، صحت شرط و شرکت محل اشکال است، ولی اگر هنگام برهم زدن شرکت و تقسیم مال با یکدیگر مصالحه کنند که یک نفر از آنان اصل سرمایه اولی خود را بردارد و باقیمانده از نقد و نسیه و سود و زیان مربوط به دیگری باشد مانعی ندارد.

(مسئله ۷) اگر شرط نکنند که یکی از شریکها بیشتر منفعت ببرد، چنانچه سرمایه آنان به یک اندازه باشد سود و زیان را هم به یک اندازه می‌برند و اگر سرمایه آنان به یک اندازه نباشد سود و زیان هر یک از شرکا به نسبت سرمایه آنهاست، چه همگی به یک اندازه کار کنند یا یکی کمتر کار کند و یا اصلاً کار نکند، ولی اگر یکی از آنها با اجازه دیگر شرکا کار کند و قصد مجان نداشته باشد مزد کار خود را طلبکار خواهد بود.

(مسئله ۸) شریکی که اختیار سرمایه شرکت با اوست باید به قرارداد شرکت عمل کند، مثلاً اگر قرار گذاشته‌اند نسیه بخرد یا نقد بفروشد یا جنس را از محل مخصوصی بخرد باید به همان قرارداد عمل نماید. و اگر قرار خاصی گذاشته باشند باید به صورت متعارف داد و ستدی نماید که برای شرکت ضرر نداشته باشد، به عنوان مثال اگر معمول است که نقد بفروشد یا مال شرکت را در مسافرت همراه خود نبرد باید به

۱. «معامله فضولی» به معامله‌ای گفته می‌شود که بدون اجازه مالک یا نماینده او واقع شود.

همین گونه عمل نماید.

(مسئله ۹) شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند اگر خلاف قرارداد معامله نماید و خسارتی به شرکت وارد آید ضامن است و معامله ای هم که کرده احتیاج به اجازه شرکای دیگر دارد، همچنین اگر با او قرار خاصی گذاشته باشند و خلاف متعارف معامله نماید ضامن است، ولی در هر دو صورت معامله های بعدی او که مطابق قرارداد یا به طور متعارف انجام می شود صحیح خواهد بود.

(مسئله ۱۰) شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند اگر زیاده روی نماید و در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند و اتفاقاً تمام یا مقداری از آن تلف شود ضامن نیست.

(مسئله ۱۱) اگر شریک چیزی را برای خود به طور نسبه بخرد سود و زیان آن مربوط به خود اوست، ولی اگر برای شرکت بخرد و معامله نسبه متعارف باشد یا از طرف سایر شرکا اجازه داشته باشد یا در صورتی که اجازه نداشته پس از معامله اجازه دهند، سود و زیان آن مربوط به شرکت خواهد بود.

(مسئله ۱۲) اگر پس از معامله یکی از شرکا معلوم شود که اصل شرکت باطل بوده، معامله ای که انجام گرفته فضولی است، پس اگر شریکها بگویند به آن معامله راضی هستیم معامله صحیح و گرنه باطل می باشد. و هر کدام از آنان که بدون قصد مجان برای شرکت کاری کرده است و کارش با اجازه شرکا بوده، می تواند مزد زحمتهای خود را به اندازه متعارف از شریکهای دیگر بگیرد.

(مسئله ۱۳) تشکیل شرکتهای تجاری و تعاونی، از هر نوعی که باشد، بر اساس شرایط ذکر شده صحیح است، همچنین اگر چیزهایی را که شارع نهی نکرده در شرکت شرط کنند اشکال ندارد.

تصرف در اموال شرکت:

(مسئله ۱۴) تصرف در چیزی که مشترک است بدون اجازه شریکهای دیگر جایز نیست.

(مسئله ۱۵) شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند، هر چند مورد اعتماد شرکا باشد، حق ندارد از اموال شرکت چیزی به نام خود خرید و فروش کند و سود آن را برای خود بردارد، مگر اینکه دیگران اجازه دهند.

(مسئله ۱۶) هر گاه یکی از شرکا از دنیا برود یا توسط دادگاه صالح از تصرف در اموال خود منع گردد و یا بیهوش یا دیوانه و یا سفیه شود، دیگر شرکا بدون اجازه ولی او و یا حاکم شرع حق تصرف در اموال شرکت و حتی تقسیم اموال آن را ندارند.

(مسئله ۱۷) اگر همه شرکا از اجازه تصرفی که در مال شرکت داده اند برگردند، هیچ کدام نمی توانند در مال شرکت تصرف کنند. و اگر یکی از آنان از اجازه خود برگردد

شریکهای دیگر حق تصرف ندارند، ولی خود او تا زمانی که منعی از سایر شرکا نرسیده می‌تواند در مال شرکت تصرف نماید.

(مسئله ۱۸) در شرکت غیر اختیاری، مانند ارث، که بدون عقد قرارداد حاصل می‌شود، نیز هیچ یک از شریکان بدون اجازه سایر شرکا حق تصرف در مال مورد شرکت را ندارد.

تقسیم مال مشترک:

(مسئله ۱۹) بنابر مشهور عقد شرکت عقد جایز است، پس هر گاه یک یا چند نفر از شرکا درخواست تقسیم اموال شرکت را داشته باشند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول نمایند، مگر آنکه مدت در ضمن عقد لازمی تعیین شده باشد یا تقسیم اموال شرکت موجب وارد شدن ضرر قابل توجه به سایر شرکا باشد.

(مسئله ۲۰) در تقسیم مال مشترک باید ابتدا آن را به تعداد سهام، چه مساوی و چه متفاوت، تفکیک کرد و آنگاه به حکم قرعه، سهم هر یک را تعیین نمود. و قرعه کیفیت خاصی ندارد، بلکه به هر طریقی که تقسیم کنند و شرکا موافقت کنند، به شکلی که انتخاب افراد در آن دخالت نداشته باشد کافی است، خواه به نوشتن روی کاغذ باشد یا راههای دیگر و اگر هر یک از شرکا بدون قرعه به سهم خاصی راضی شوند و اختلافی در بین نباشد قرعه لازم نیست.

(مسئله ۲۱) هیچ یک از شرکا نمی‌تواند تقسیمی را که در مال مشترک صورت گرفته به هم بزند، ولی اگر ادعا کند که در انجام تقسیم اشتباهی رخ داده و بتواند اشتباه را ثابت کند، تقسیم به هم می‌خورد و باید دوباره صورت پذیرد.

(مسئله ۲۲) در صورتی می‌توان مال مشترک را تقسیم کرد که اجزای آن از نظر عرف مردم کاملاً شبیه به هم باشد، نظیر یک دسته اسکناس، جویبات، پارچه و زمین. و اگر اجزای آن مثل هم نباشد، نظیر حیوانات، مغازه، خانه و چیزهای ساخته شده، عین آن قابل تقسیم نیست و هنگام تقسیم باید قیمت آن را معین کنند و سپس سهم هر یک از شریکها به لحاظ قیمت آن تعیین شود، ولی اگر همه شرکا به گونه‌ای به تقسیم عین آن راضی باشند تقسیم آن اشکال ندارد.

(مسئله ۲۳) اگر عین مال مشترک قابل تقسیم نباشد و بعضی از شرکا خواهان تقسیم قیمت آن باشند و بعضی از قبول آن خودداری کنند، حاکم شرع می‌تواند آنها را به فروش مال و تقسیم قیمت آن مجبور نماید.

(مسئله ۲۴) اگر عین مال مشترک قابل تقسیم باشد، ولی یک قسمت آن گرانتر از قسمت دیگر باشد، مانند دو طبقه از یک منزل که میان دو نفر به شرکت است، پس از تقسیم باید شریکی که قسمت گرانتر را برداشته نصف مقدار تفاوت را به شریک دیگر برگرداند.

(مسأله ۲۵) اگر بعد از تقسیم مال مشترک معلوم شود قسمت مشخصی از آن متعلق به دیگری بوده است، چنانچه آن قسمت فقط در سهم بعضی از شرکا باشد، یا در سهم همه باشد ولی مقدار آن تفاوت دارد، تقسیم انجام شده باطل است و اگر آن قسمت مشخص در سهم همه شرکا باشد و مقدار آن تفاوت نکند، تقسیم انجام شده صحیح است.

(مسأله ۲۶) اگر وارثان پس از تقسیم مال میت بفهمند میت بدهکاری داشته است، در صورتی که خود آنها یا شخص دیگری بدهی او را به عهده نگیرد تقسیم مال میت باطل است و باید ابتدا بدهی میت را از مال او بپردازند و سپس اموال او را تقسیم نمایند.

(مسأله ۲۷) اگر قسمتی از سرمایه شرکت به صورت دین باشد و بخواهند شرکت را منحل کنند، تقسیم دین صحیح نیست و اگر فرضاً تقسیم کردند، آنچه از آنها نقد شود متعلق به همه شرکا می‌باشد و آنچه تلف شود از همه تلف شده است.

(مسأله ۲۸) تقسیم طلبهای میت توسط وارثان قبل از دریافت آنها از بدهکاران صحیح نیست، بلکه طلبهای میت قبل از دریافت همچنان بین ورثه به طور مشاع خواهد بود.